

## وظیفه‌ی انقلابی ما، دفاع از جمع در مقابل فرد است!!!

فداکاری‌ها و از جان‌گذشتگی‌های اعضای هیئت مدیره و حتی اعضای عادی سندیکای کارگران شرکت واحد، بخصوص منصور اسانلو و وابستگی‌های سندیکا به فعالیت‌های منصور و معروفیت منصور به اعتبار موجودیت و کارهای جمعی خارق‌العاده سندیکا بر هیچ کس پوشیده نیست، هم چنین دفاعیات بی‌شائبه، مداوم و گسترده‌ی تشکل‌ها، نهادها و فعالین از سندیکای فوق و بدنبال خواست سندیکا، دفاع از افراد فعال آن بخصوص منصور اسانلو نیز کاملاً شفاف و روشن است، هم چنین نسبت به مشکلاتی که این دوستان و خانواده‌هایشان طی ۸ سال گذشته تحمل کردند و بیش‌تر آن‌ها هم چنان تحت فشار قرار دارد، آگاه هستیم.

به دلیل این‌که تشکل‌های کارگری بسیار کم است، سندیکای کارگران شرکت واحد به سبیل و نماد سازمان‌های توده‌ای کارگران بدل شده است، که به عنوان تنها الگوی پیش روی تشکل‌های کارگری دیده می‌شود. در نتیجه هر ضربه‌ی وارده به آن، مانند، موج در دریا به تمامی زوایای جنبش کارگری راه خواهد یافت. اگر این دوستان خطا یا اشتباهی مرتکب شوند، زیانش متوجه همه خواهد بود، و اگر موفقیتی بدست آورند نیز، سودش برای همه

خواهد بود. بر مبنای چنین برداشتی برخورد با مشکل جدید این سندیکا، بسیار حساس بوده و پی‌آمدش مهم است.

منصور اسانلو دارای چهار بُعد برخورد فکر و کاری است که به ترتیب عبارتند از:

۱ - فعالیت عملی بسیار اکتیو او تحت مجموعه سندیکا که سر آمد بوده است.

۲ - کارهای تشکیلاتی او در سندیکا که برای اعضای هیئت مدیره روشن و معلوم، برای فعالین خارج از سندیکا طبق اصول نامعلوم بوده است.

۳ - افکار سیاسی و روابط سیاسی و بعضاً کارهای سیاسی که تحت تسلط افکار سیاسی شخصی و در همراهی با همفکرانش انجام می‌داد این نیز برای همه روشن بوده است.

۴ - زندگی خصوصی او، که بعضاً بنا به علل مختلف از جمله فشارهای پلیسی با فعالیت‌های اجتماعی مخلوط شده که برای دیگران نیز مانند منصور اسانلو پیش می‌آید. باید موضوع مورد بحث باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد طی ۸ سال گذشته از زمانی که ارتباط سیستماتیک سازمانی با اعضا و دیگر کارگران داشت تا اکنون که بدلیل فشارهای شدید و عدم برگزاری مجمع عمومی و ناتوانی در بازسازی هیئت مدیره خود، ارتباطاتش محدود، غیر سازمانی یا کم‌تر سازمانی شده است، همیشه از چهار بُعد فکری و کاری منصور اسانلو آگاهی کافی داشت، با توجه به آگاهی فوق از تمامی سازمان‌ها، کارگران، فعالین و نهادهای داخلی و جهانی می‌خواست که از منصور اسانلو حمایت بی‌دریغ نمایند.

پراتیک اکتیو منصور اساتلو در مسائل روز کارگری که برای تمامی انقلابیون مورد تأیید بود و با درخواست سندیکا مورد حمایت همه جانبه قرار می‌گرفت، و مورد رابطه و افکار سیاسی او مشخص بوده ولی مورد قبول نبود، اما این مورد به عمد برای این که سندیکا تضعیف نشود نادیده گرفته می‌شد. در رابطه با مسائل درونی تشکیلاتی، فعالین و انقلابیون اطلاع نداشتند و اعضای هیئت مدیره که اطلاع صد در صدی داشتند بیان نکرده بودن بنا بر این آن چه بود و هست ما هنوز اطلاع نداریم. تا به این روز هم سکوت و یا تأیید هیئت مدیره برای ما حجت بود. با توجه به موارد بالا، علی رغم وجود موارد غیر قابل قبول، بنا به خواست سندیکا، همگی از منصور اساتلو حمایت می‌کردیم. امروز نیز بنا به اندیشه‌ی حمایت از جمع در مقابل فرد، که یک اصل انقلابی است، از سندیکای کارگران شرکت واحد باید حمایت کرد، اما این اصل انقلابی اگر بر روال گذشته ما نسبت به سندیکای شرکت واحد پیش برود، دچار تناقض خواهیم شد، چون اصول انقلابی بر پایه‌ی آگاهی‌های علمی و طبقاتی استوار است، در حالی که تا به این روز ما فقط به دلیل این که سندیکا خواسته است، بدون این که از کم و کیف کارها اطلاع داشته باشیم، قبول کردیم. که البته این روند، تنها با تکیه بر اصل حمایت از جمع در مقابل فرد، قابل توجیه نیست.

معضل دیدگاه سیاسی رفورمیستی در سندیکای کارگران شرکت واحد از بدو تشکیل وجود داشت، و با خارج شدن منصور از سندیکا این معضل تمام نمی‌شود. البته پنهان بودن و عدم ظهور آن طی ۸ سال گذشته نتیجه‌ی شدت سرکوب و خفقان بوده است، هر چند که در برخی مواقع نشانه‌هایی از آن ظهور کرده بود. این معضل اگر ۸ سال قبل امکان بروز داشت، نمی‌توانست

ضربه‌ای که اکنون به جنبش کارگری خواهد زد، بزند. بدلیل پنهان بودن و عدم امکان ظهور، معضل فوق با رشد و مشهورتر شدن منصور، رشد بیش تر کرده است. این معضل با سرنوشت جنبش کارگری سر و کار دارد و می‌تواند ضربات خطرناکی بر پیکر جنبش کارگری و حتی به جنبش سوسیالیستی بزند.

هسته‌ی اصلی برخورد سندیکا با منصور اساتلو را همین معضل تشکیل می‌دهد، و موارد کمک کننده به این برخورد بقیه دلایلی خواهد بود که طی ۸ سال گذشته بطور آشکار میان منصور و بقیه وجود داشت، از جمله تکروری‌های منصور یا موارد مالی و... که گاه و بیگاه بیان می‌شوند، و هیچ کدام تازگی ندارند، ولی عامل برخورد نمی‌شدند، چون در سندیکا امکان اغماض در مورد آن‌ها ممکن بود و یا شاید، آن‌ها برای همه‌ی اعضای هیئت مدیره به عنوان عامل اختلاف دیده نمی‌شدند. در نتیجه برخورد اخیر بین سندیکا و منصور را باید در رابطه با مسائل آینده دید، نه در مسائل گذشته.

اگر می‌گوییم، در مورد گذشته نیست، چون تمامی کارهای منصور از سال ۸۴ تا کنون برای افراد بیرون از سندیکا کم‌تر، ولی برای اعضای هیئت مدیره اگر نگوییم صد در صد ولی با در صد بسیار بالایی مشخص بوده‌اند اما تا زمانی که از ایران خارج نشده بود، مورد انتقاد جدی قرار نمی‌گرفت، شاید فکر می‌کردند هنوز فرصت برای حل مشکل دارند، یا شاید تعدادی از آن‌ها کم و بیش کارهای او را تأیید می‌کردند، شاید مشکل امنیتی می‌توانست باشد و شاید‌های دیگر، که پس از مشخص شدن دلایل سندیکا می‌توان جواب قطعی را پیدا کرد. به هر صورت طی ۸ سال گذشته بنا به خواست سندیکا، نهادها و

فعالین و در مجموع جنبش کارگری حتی موارد غیرقابل قبول را نیز مورد تأیید قرار می‌دادند. و این خطا بر می‌گردد به این که چون تعداد تشکل کارگری بسیار کم است، جنبش کارگری به اجبار برای حفظ سندیکای واحد، دست به عصا حرکت کرده است، و در برخی موارد از خود اغماض نشان داده و موارد مشکل ساز را آگاهانه ندیده گرفته است، و امروز، چوب نادیده گرفتن، آگاهانه را می‌خوریم.

خطرناک تر از گذشته، امروز است، که باز هم با دلی پُرخون سر دو راهی قرار داریم، یا باید حرکت سانتریستی داشته باشیم، موضعگیری نکنیم، یا باید در مقابل تکروی ها و فردیت منصور اسانلو از سندیکای واحد که هیچ چیزی در مورد اختلافات و مشکلات جدیدشان نمی‌دانیم، موضع حمایت کورکورانه بگیریم، اگر امروز منطقی برخورد نکنیم، این روند و سبک کار می‌تواند سنت شده و در مورد اختلاف بین افراد دیگر با سندیکا یا تشکل های دیگر که بدون شک اتفاق خواهند افتاد باز تولید گردد.

راستی جنبش کارگری و فعالین آن کجای میدان مبارزه ایستاده اند؟ آیا سندیکای شرکت واحد، بدلیل نبود تعداد زیاد تشکل کارگری حق دارد بدون شفاف سازی و بیان دلایل خود، از بقیه انتظار داشته باشد که حمایت کنند یا حمایت نکنند؟

چه باید کرد؟

تنها راه اصولی ما با دید آگاهانه حمایت از جمع در مقابل فرد است، چون جمع احتمال خطایش کم تر است. ما به خوبی می‌دانیم، راهی که منصور اسانلو طی ۸ سال رفته، حاصل اجتناب ناپذیر حمایت های بیان شده است. اگر موقعیت برای برخی دیگر مهیا شود به احتمال بسیار قوی همین راه را

خواهند رفت. به بیان دیگر در مورد منصور و تقریباً همه ی افرادی که ممکن است چنین راهی را بروند، باید اعتراف کرد محصول ۸ سال چشم پوشی جمع در مقابل فرد است که سرکوب و خفقان عامل تشدید کننده مسیر فوق بوده است. بهتر است مورد جمع را نیز بررسی کنیم، هر جمعی نمی تواند مورد تأیید باشد، بلکه در مورد یک تشکل بحث می شود، بنا براین اگر هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اقدامی برای بازسازی خود و برقراری ارتباط سندیکایی به صورت سازمانی و سیستماتیک نکنند، از آن جمع موردنظر و قابل حمایت خارج گشته به یک محفل تبدیل خواهد شد. اما اگر خود را بازسازی نمایند، هیچ نیازی به تقاضای کمک یا عدم کمک نخواهد داشت چون تمامی نهادها خود را با تصمیمات هیئت مدیره بازسازی شده هماهنگ خواهند کرد.

طرح مورد زیر جهت اطلاع هیئت مدیره ی کارگران سندیکای شرکت واحد و اعضای آن بطور خاص و دیگر تشکل ها و کارگران بطور عام، بسیار مهم است، دوستان توجه داشته باشید، وقتی دشمنان (کارفرماها، خدم و حشم سرمایه داری و دولت سرمایه داری) نتوانستند، از طریق سرکوب، دستگیری، شکنجه و زندان، هم چنین بیکارسازی و دیگر تهدیدهای آشکار کارگران را شکست بدهند. دست از مخالفت و دشمنی بر نمی دارند، بلکه اتحاد و همبستگی کارگران را با روش های پنهان و پلیسی نشانه می روند، نه این که در زمان های سرکوب آشکار این روش را بکار نمی برند، البته که در همه ی زمان ها بکار می برند، ولی زمانی که از طریق سرکوب های آشکار و عریان موفق نشوند، آن گاه سرکوب های پنهان را هر چه بیش تر افزایش می دهند، بنا براین نباید ساده اندیش باشیم، آن ها هزاران شگرد و ترفند دارند، و بدون

شک هم اکنون مشغول اجرای سیاست ها و برنامه های مختلف هستند، مبارزه بسیار پیچیده است، برای مقابله و کسب پیروزی باید با دقت بیش تر و تحلیل علمی (مارکسیستی- لنینیستی) موضوعات را بررسی کرد. دوستان در مبارزه با شگردهای پنهان پلیس سیاسی، صداقت فردی به تنهای کارساز نیست، باید آگاهی طبقاتی، علم مبارزه با پلیس سیاسی، رفاقت عمیق، دید انقلابی و سازماندهی محکم داشت، هر چه مشکلات بیش تر و پیچیده تر می شوند، به همان میزان باید فداکاری، جسارت، آگاهی و رفاقت بیش تر شود.

به یاد داشته باشیم، پلیس سیاسی به نمایندگی و از میان تمامی نیروهای رنگارنگ دولت سرمایه داری و نهادهای خصوصی مانند رادیو و تلویزیون ها، روزنامه ها، سازمان ها و نهادها و احزاب و گروهها و محافل مختلف یارگیری می کند، آن گاه افراد فوق تحت سازماندهی پلیسی هر کدام در حوزه ی تخصصی خود شب و روز مشغول کار و برنامه ریزی می شوند. با اجرای هزاران ترفند می خواهند، به تشکل ها و همبستگی کارگران ضربه زده، اعتبار آن ها را زیر سوال ببرند، سندیکای کارگران شرکت واحد نیز از این قانده مستثناء نیست، بلکه تحت مراقبت و توطئه دائمی قرار دارد. با توجه به مثل معروف "هر که بامش بیش، برفش بیش" افراد و تشکل های که بیش ترین نقش را در مبارزه دارند، بیش تر از دیگران تحت فشار قرار می گیرند، در این راستا سندیکای واحد یکی از تشکل هایی است، که از جانب پلیس سیاسی سوژه تحت نظر است. تنها راه نجات سندیکا در مقابل چنین دشمنی ها، حفظ، بازسازی و گسترش ارتباط سازمانی با بدنه ی خود و بقیه ی فعالین کارگری و انقلابی است. اگر چنین مسیری را طی نکنید، کمترین خطر

برای سندیکا ایزوله شدن، آن است، که دیگر با هیچ حمایتی امکان نجات نخواهد داشت.

دوستان من در سندیکای واحد، صد در صد به یاد دارند، از سال ۸۶ به بعد هر وقت فرصت صحبت با هم داشتیم، اعلام کردم که تنها راه شما برگزاری مجمع عمومی و بازسازی هیئت مدیره است، هنوز هم تنها راه همین است، اگر شما دوستان با هر روشی که خود می‌دانید، و امکان دارد، با تاکتیک‌های مختلف و با استفاده از تکنولوژی مدرن، باید هیئت مدیره‌ی خود را بازسازی کنید، اگر بتوانید مجمع عمومی خود را تشکیل بدهید، هیئت مدیره را بازسازی نماید، دیگر نیازی به درخواست حمایت یا عدم حمایت نخواهید داشت، چون شما و دیگر کارگران عضو با تصمیمات جمعی خود تکلیف همه را روشن می‌کنید، بر مبنای تصمیمات شما و اعضاء، همه‌ی نهادها و فعالین و سازمان‌ها حرکت‌های حمایتی یا عدم حمایتی خود را با تصمیمات شما تنظیم خواهند کرد. بدون شک و با آگاهی کامل هنوز هم بسیاری از رفقا و دوستان با تمام توان آمادگی کمک جهت برگزاری مجمع عمومی شما را، دارند. فراموش نکنیم که در سندیکای واحد با توجه به سازماندهی دومین اعتصاب، پتانسیل برگزاری مجمع عمومی ولو کوچک تر و با اشکال مختلف وجود دارد.

در پایان به عنوان یک هم‌رزم طبقاتی و دوست، از منصور انتظار دارم، به احترام ۸ سال کار فداکارانه و متحدانه با دیگر اعضای هیئت مدیره که همگی سختی شکنجه‌های فراوانی را تحمل کردید، و در برای حمایت از همان کارگرانی که ۸ سال در جهت کمک به احقاق حقوقشان فعالیت کرده‌اید، بدون چون و چرا تصمیم جمعی را بپذیرید و حتی بدون چشم داشت کمک کنید، تا



سندیکا از این پیچ خطرناک عبور نماید، و اعلام نماید، از این پس مسیر مستقل خود را خواهم رفت، با توجه به توانایی‌های ایشان، بدون شک اگر مسیرش در جهت جنبش کارگری باشد، همه‌ی مشکلات حل خواهد شد، و او دوباره در جمع پیشروان جنبش کارگری سر آمد خواهد شد، منصور، دوست عزیز: بهتر است با دقت و بدون ایجاد مشکل این فرصت را به خود و به بقیه فعالین بدهی.

محمد اشرفی

۱۰/۱۱/۱۳۹۱

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: [yasharazarri@gmail.com](mailto:yasharazarri@gmail.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری